

Investigating the Criminalization of Non-Observance of Islamic Hijab in Imami Jurisprudence and Iranian Law

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Ahmad Ali Nozari¹

Amir Vatani^{2*}

Majid Ghorchi Beigi³

How to cite this article

Ahmad Ali Nozari , Amir Vatani , Majid Ghorchi Beigi, Investigating the Criminalization of Non-Observance of Islamic Hijab in Imami Jurisprudence and Iranian Law, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(3): 500-509.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Criminal Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khwarazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Kharazmi University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: vatani_amir@yahoo.com

Article History

Received: 2022/04/30

Accepted: 2022/08/08

ABSTRACT

In the Holy Sharia of Islam, orders have been issued to observe the hijab, and just as for other orders issued by the Holy Sharia, rewards and punishments in the hereafter and in some cases worldly punishments have also been determined, that is, obligatory and mustahab actions deserve rewards and forbidden actions deserve punishment. have. Worldly punishments regarding non-observance of religious hijab and violation of religious orders have been examined. Is it possible to criminalize disobeying the order of holy sharia regarding hijab? Or can Islamic rulers punish people who don't wear hijab by making laws? At first, by studying the sources, this research aims to investigate the phenomenon of non-observance of hijab and its criminalization evidences in Imamiyyah jurisprudence and legal rulings of Iran with a descriptive and library method, and by examining the opinions for and against practical and theoretical solutions for the alignment and integration of jurisprudence opinions. and provides rights. The results of the research show that with a dynamic and universal attitude to the commandments of Islam, it is possible to provide reasons for the sustainable development of the society in following the right path with rational and narrative reasons according to the requirements of the time.

Keywords: Hijab, Criminalization, Article 638, Chastity

بررسی جرم انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در فقه

امامیه و حقوق ایران

احمدعلی نوذری^۱

دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

امیر وطنی^۲*

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مجید قورچی بیگی^۳

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

در شرع مقدس اسلام برای رعایت حجاب دستوراتی صادر گردیده و همانگونه که برای دیگر دستورات صادر شده از ناحیه شارع مقدس، پاداش و مجازات اخروی و در برخی موارد مجازات دنیوی نیز تعیین گردیده، یعنی اعمال واجب و مستحب، مستحق پاداش و اعمال حرام استحقاق مجازات را دارند. مجازات‌های دنیوی در خصوص عدم رعایت حجاب شرعی و تخلف از دستورات دین مورد بررسی قرار گرفته، که آیا می‌توان برای سرپیچی از دستور شرع مقدس در موضوع حجاب، جرم انگاری نمود؟ و یا حاکمان اسلامی می‌توانند با وضع قوانین افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، مجازات نمایند؟ این پژوهش در ابتدا با مطالعه منابع در صدد بررسی پدیده عدم رعایت حجاب و ادله جرم انگاری آن در فقه امامیه و احکام حقوقی ایران با شیوه توصیفی و کتابخانه‌ای است و با بررسی نظرات موافق و مخالف راهکارهای اجرایی و نظری برای همسویی و یکپارچه سازی نظرات فقهی و حقوقی ارائه می‌نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با نگرشی پویا و جهان شمول به فرامین اسلام می‌توان با دلایل عقلی و نقلی متناسب با اقتضای زمان، موجبات توسعه پایدار جامعه را در پیمودن راه صحیح فراهم آورد.

کلمات کلیدی: حجاب، جرم انگاری، ماده ۶۳۸، عفاف

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

* نویسنده مسئول: vatani_amir@yahoo.com

مقدمه

عدم رعایت حجاب شرعی به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌ده‌های گذشته، همواره در راس مسائل اجتماعی و حقوقی کشور محسوب شده است. یکی از الزامات ضروری دین اسلام پابندی به حجاب در زنان و مردان مومن است. وجوب حجاب شرعی برای زنان از مسائلی است که تمام فقه‌های شیعه و دیگر فرق اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و از ضروریات دین شمرده شده است. چنانکه امام خمینی (ره) می‌فرماید، اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن، حکم منکر ضروری را دارد. با عنایت به اینکه ضروری دین آن است که تمام مسلمانان، ضرورت آن را به مانند وجوب نماز و روزه و دیگر فروعات اسلام پذیرفته‌اند که با شرایط خاصی که در حکم ارتداد بیان شده است، منکر ضروری دین را مرتد می‌شناسند. فقه‌های اسلامی حجاب را از ضروریات دین اسلام قلمداد نموده و استدلال آن‌ها در خصوص این فرض ضروری به آیاتی است که در مورد حجاب نازل شده است. همچنین روایات فراوانی نیز از بزرگان دین نقل شده که به ضرورت پابندی به حجاب در آن تأکید شده است. مضافاً بر آن که ادله عقلی نیز پشتوانه بسیار مهمی برای این موضوع شمرده شده و استدلال غیر قابل انکار در آن مشهود می‌باشد. در این پژوهش با استناد بر کتاب و سنت و عقل و اجماع و بررسی متون و کتب دست اول با روش تحلیلی-توصیفی و سپس با استفاده از نظرات علمای متخصص به بررسی رعایت حجاب و جرم انگاری عدم رعایت آن در فقه امامیه و حقوق ایران می‌پردازیم. از حیث تاریخی زن قبل از اسلام ملتزم به حجاب نبود و زنان با مردان اختلاط و مجالست داشتند. در مجامع عمومی حاضر بوده و در خیابانها و بازارها با مردان معامله می‌نمودند. به نقل از زمخشری آمده است: "گریبان آنها باز بوده و گلو و سینه‌ها و اطراف آن نمایان و روسری خود را به پشت انداخته و سر باز بوده‌اند، زن پا به زمین کوبیده تا صدای خلخال پایش مشخص شود و بدانند که او دارای خلخال است..." سپس اسلام که کاملترین ادیان الهی است، آمد و قرآن که مشتمل بر بهترین قوانین در راه کمال انسان و رشد اوست نازل شد و در آیات مختلف، چگونگی ارتباط مردان با زنان را محدود نمود و این طبیعی است که جعل قوانین حجاب برای زنان مشقت و سختی‌هایی را در زندگی روزمره آنها به دنبال داشت (۱).

در عصر بیست‌وسه ساله نزول وحی، برای نخستین بار در سال پنجم هجری مجموعه‌ای از دستورات اجتماعی برای زنان پیامبر صلی‌الله علیه و آله نازل شد. ابتدا از آنان خواسته شد که در ارتباط کلامی با مردان بیماردل به گونه‌ای سخن نگویند که موجب طمع‌ورزی جنسی آنان شود سپس از آنان خواسته شد که در خانه‌هایشان باشند و مانند زنان عصر جاهلیت از خانه بیرون نروند. پس از آن و در جریان ولیمه ازدواج پیامبر صلی‌الله علیه و آله با زینب بنت جحش، آیه لزوم پرده‌نشینی زنان پیامبر نازل و لازم شد که زنان علاوه بر خانه‌نشینی، پرده‌نشینی نیز اتخاذ کنند. البته در این مرحله برخی مردان مانند خویشاوندان نسبی از این حکم بیرون شده و اجازه

^۲ آیه ۵۳ سوره احزاب

^۱ آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب

داشتند با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بی آنکه پرده‌ای در بین باشد، ارتباط بگیرند^۱»

از نکاتی که شایسته غفلت نیست، آن است که حجاب ناشی از بی‌اعتنایی به زنان نیست بلکه مقتضای آن، اختلاف زنان و مردان در کیفیت خلقت و تنوع غریزه‌ها و تفاوت عاطفه‌هاست. این اختلاف و تنوع وظیفه دلیل بر فضیلت مردان بر زنان از جانب شارع نیست (۲).

برای حجاب زنان ۲ حکم از جانب شارع مقدس وجود دارد یکی وجوب و دیگری حرمت است.

وجوب نیز به ۲ قسم است ۱_ وجوب پوشش در نماز و ۲_ وجوب پوشش در مقابل نامحرمان. زنان باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشانند ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دستها و پاها تا مچ لازم نیست. همچنین زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند.

در خصوص حرمت می‌توان به این نکته اشاره کرد که نگاه به بدن و موی زنان نامحرم برای مردان، حرام است.

در پاسخ به سوال "آیا زنان غیر مسلمان در زمان صدر اسلام، این الزام را داشتند؟ و نگاه نامحرمان به آنان چگونه بوده است؟" آمده است که مقتضی قاعده، عدم جواز نگاه به زنان اهل ذمه است و واجب است نگاه را پایین انداختن، مگر آنکه به دلیل ثابت شود، با امعان نظر به اطلاق آیه چشم پوشی. استدلال شده به جایز بودن نگاه به زنان اهل ذمه به ۲ وجه:

آنها به منزله کنیزند و حکم کنیزان در حق آنها جاری است و از احکام ثابت در حق کنیزان، جایز بودن نگاه به آنهاست. به این وجه بعضی از قدام و متاخرین هم استدلال نموده اند از قدام شیخ مفید در مقنعه می‌گوید: اشکالی در نگاه به صورت و موهای اهل کتاب نیست، زیرا آنها به منزله کنیزانند و از متاخرین محقق در شرایع می‌گوید جایز است نگاه به زنان اهل کتاب و موهای آنها، زیرا به منزله کنیزانند و این وجه را همچنین جماعتی از فقها که یکی از آنها شهید ثانی است در کتاب المسالك اختیار نموده و از این تحلیل جایز بودن، نگاه به کنیزان نزد فقها مفروض غنه است (۱) بلکه مطلق کفار نگاه به آنها جایز است با عدم تلذذ و ریه یعنی خوف وقوع در حرام. عمده وجه در این دلالت، نصوص است بر جایز بودن نگاه به زنان اهل ذمه به وسیله فحوای نصوص و دلیل آن این است که زنان بعد از قبول شرایط ذمه مورد حمایت حکومت اسلامی و احترام مسلمانان قرار گرفتند و به این دلیل نفوس و اموال آنها بین مسلمانان محترم است به خلاف سایر کفار... و جایز بودن نگاه بر مواقعی است که عادت بر پوشاندن آن مواضع ندارند همچنین نصوص دلالت بر جواز نگاه به سر و دستان و صورت به دلالت التزامی دارد به اینکه سر در پوشش و نگاه قابل انفکاک نیست اما سایر مواضع دلیلی بر جواز نگاه کردن به آن وجود ندارد... مخفی نماند که تعلیل در نص روایت اقتضای جایز بودن نگاه، هنگام وجود علت را دارد. پس هرگاه که علت منتفی شود، جواز نیز منتفی است. بر این اساس زنان بادیه و قریه‌های دوردست از شهرها و اهل روستا و کوه‌ها

در زمان معاصر نمی‌توان گفت که نگاه به سر، صورت و دستها و سایر محاسن آنها جایز است زیرا علت مذکوره در حق آنها منتفی است، چون واضح است که با نپوشیدن، به عدم پوشش پایان می‌دهند (نظر به رشد عقل‌های عموم مردم و تعالی فهم و معارف دینی آنها) و به عکس هرگاه واجد علت شود نگاه جایز است ولو از اهل شهرها. چه بسا زنان متمم شهری که از فرهنگهای غربی و شرقی فریبیده فاسد، آنگاه که نهی از منکرات هیچ تاثیری در آنها نداشته بلکه ناهی از منکر را مسخره می‌کنند... سپس مخفی نماند که ملاک جایز بودن نگاه به سرهای زنان بادیه و قریه‌ها و اهل روستا عدم احترام آنها نیست بلکه آنها زنان مسلمان و عقیف اند و عفتشان از زنان شهری بیشتر است و فقط عادت آنها به عدم پوشیدن تمام سرها و موهایشان جاری است به خلاف زنان اهل ذمه زیرا آنها مضافاً بر این که توجهی به نهی از منکر نمی‌کنند و در این موضوع با زنان اهل روستا مشترکند به دلیل کفرشان حرمتی نیز ندارند (۳)

همچنین در ارتباط با لزوم رعایت پوشش برای زنان غیر مسلمان آیت... ناصر مکارم شیرازی می‌گوید که: «یک اصل مسلم در اسلام داریم که هر حکمی برای مومنین و مسلمانان ثابت است دیگران نیز مکلف به آن هستند (الکفار مکلفون بالفروع کما انهم مکلفون بالاصول) بنابراین آنها هم موظف به حکم حجاب و ترک شراب خواری (حدافل آشکارا) و گناهان دیگر هستند و نسبت به حجاب که ما می‌توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه ای است و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش نکرده ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد چه زنانی با چه وضعی بیرون آمدند و اکثر جوانان را به فساد کشیدند و نوشته‌ای که اگر ما به کشورهای آنها برویم ما را اجبار به بی‌حجابی کنند چه می‌شود؟ فراموش نکنیم که آنها بی‌حجابی را واجب نمی‌دانند در حالی که ما حجاب را واجب می‌دانیم (۴)».

حکم شرعی و تکلیفی حجاب بانوان

برای شناخت حکم شرعی حجاب از نظر فقها ابتدا به بررسی آیات شریفه نازل شده در این خصوص و سپس به بررسی روایات می‌پردازیم:

الف) بررسی وجوب حجاب برای زنان در قرآن کریم:

قرآن کریم در سوره مبارکه احزاب می‌فرماید:

۱- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْرِينَ عَلَىٰ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ۚ ذَٰلِكَ آدَبُ ۙ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۹)

ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (آیه ۵۹).

^۱ آیه ۵۵ سوره احزاب

بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود یا پدران یا پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و پسران خواهران خود یا زنان خود (یعنی زنان مسلمه) یا کنیزان ملکی خویش یا مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن‌طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. و ای اهل ایمان، همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید»، که در این آیه به‌طور مشخص منظور از حجاب پوشاندن زیبایی‌های شهوت برانگیز زنان از دید و نگاه مردان، اشاره شده است.

این آیات، الزامی قطعی برای رعایت حجاب توسط مسلمانان و به‌ویژه زنان مسلمان است. اما آنچه از فحوای این آیات به دست می‌آید، تأکید اصلی بر پاک‌ی و تنزیه امت اسلامی از شهوات غیر مشروع است و حجاب در واقع وسیله‌ای برای کاهش عوامل آلودگی جامعه به مفسده‌های اخلاقی است.

«مفسران در تعیین معنای جمله «ماظهر منها» که با کلمه «الا» از ماقبل آن استثنا شده است، معانی مختلفی را بیان نموده‌اند. از جمله لباس رو، انگشتر، خلخال، سرمه، وجه و کفین. ابن عطیه نیز عقیده دارد استثنای «الماظهر منها» در آیه کریمه استثنای منقطع است، یعنی چیزی که در آیه مورد نهی واقع شده با آنچه از آن استثنا شده مابین و متفاوت می‌باشد. پس می‌توان گفت لباس ظاهر و رو که طبعاً نمایان و پیداست و زینت نیز محسوب نمی‌شود، استثنا شده است. لذا با وجود این همه اختلاف در معنی اگر بگوییم آیه از متشابهات است، گزافه نگفته‌ایم. طبری نیز بیست معنی برای آن ذکر کرده است (۶).

در مجموع می‌توان گفت مفسران صدر اسلام در تفسیر «ماظهر منها» دو موضوع برگزیده‌اند و نظر هر دو گروه نیز به ریشه روایتی برمی‌گردد:

ابن مسعود «ماظهر منها» را به لباس رو و نمایانی که زنان معمولاً می‌پوشند تفسیر نموده است و طبق نظر وی پوشش وجه و کفین نیز بر زن واجب بوده و فقط زینت ظاهر که معنی آن بیان شد از شمول حکم استثنا شده است» (۷). «گروهی از مفسران و علمای صدر اسلام و ادوار بعدی از جمله ابی الجوزاء، ابراهیم نخعی، حسن بصری، ابن سیرین و زهری از نظریه تفسیری وی تبعیت نموده و حکم به وجوب پوشش وجه و کفین داده‌اند. طبری این نظریه را از ابن مسعود و دیگران به طرق متعدد از روایان حدیث مانند یونس، ابن وهب بیان کرده است.

دلیل ایشان قول خداوند متعال است که می‌فرماید: «خداو زینتکم عند کل مسجد» مفسران زینت را در آیه شریفه به لباس ظاهر و رو تعبیر کرده‌اند و حدیثی از پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نیز

در مورد معنای لغت جلابیب که خداوند امر فرموده که زنان فرو بپوشند می‌توان گفت [جلابییب جمع جلاباب است و آن جامه ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود] ۱. در این جا مشخص است که جلاباب همان معنای چادر است زیرا [کتابهای تفسیری قرآن که جلاباب را چادر معنی کرده‌اند عبارتند از تفسیر نسفی، تفسیر شریف لاهیجی، تفسیر ابولفتوح رازی، مخزن العرفان، تفسیر اثنی عشری، منهج الصادقین فی الزام المخالفین و اطیب البیان فی تفسیر القرآن در همه این کتابها ذیل تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب تصریح شده که جلاباب به معنای چادر است] ۲

همچنین [قرآن کریم پس از آن که توصیه می‌کند زنان خود را بپوشانند، می‌فرماید، این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود، خود را در اختیار مردان قرار نمی‌دهند، بهتر است و در نتیجه "دورباش و حشمت آنها" مانع مزاحمت افراد سبکسر می‌شود] ۳.

«در اسلام عفاف جنسی برای تمام زنان اعم از آزاد و بنده واجب دانسته شده است؛ اما از آیه ۵۹ سوره احزاب، تفسیرهای مختلفی راجع به پوشش کنیز از سوی مفسران دو مذهب ارائه شده است. یکی از این تفسیرها نهی از پوشش کنیز و امر به پوشش زنان آزاد جهت تمایز از کنیزان است. اگرچه اکثریت اهل سنت قائل به این نظر بوده‌اند، اما به دلیل تعارض آن با آموزه‌های قرآنی در خصوص نهی از اجبار به زنا، عمومیت خطاب در آیات حجاب و عمومیت قبح زنا، همچنین اضطراب در متن سبب نزولها و تعارض سبب نزول با حکمت‌های حجاب، این فهم با نقد مواجه شده است. هم‌چنین اجرای این حکم در جامعه سبب بروز مفاسد اجتماعی در زمان خلیفه دوم و تضعیف وجوب حجاب در زمان حاضر از سوی برخی منتقدان آن شده است. به‌علاوه در شیعه نیز مستندات قرآنی و روایی ظاهراً دلالت بر نهی اباحه و حتی وجوب پوشش کنیز می‌کند که پس از تحلیل‌های قرآنی، روایی و عقلی به عمل آمده، فرضیه تمایز پوشش کنیز و آزاد مردود دانسته می‌شود و روایات شیعی مربوط به حالت نماز کنیز در شرایط تقیه‌ای به شمار می‌آید» (۵).

۲- همچنین در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُجُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ «و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود

۱ ترجمه تفسیر المیزان جلد ۱۶ صفحه ۵۱۰

۲ معین الاسلام، مریم، پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم، نشر صدا و سیما

جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۴۶

۳ مطهری، مرتضی، مساله حجاب ص ۸۸ انتشارات صدرا چاپ ۵۲، ۱۳۷۹

وَأَلْقَا عِدَّةً مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۗ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)

و بر زنان از کار افتاده ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ و خدا شنوا و داناست. (۶۰)

علامه طباطبایی می فرماید: معنای آیه این است که بر هر زنی حجاب واجب است الا زنان مسن، البته در صورتی که خودآرایی نداشته باشند.^۲

همچنین مراجع تقلید متأخر در خصوص حدود حجاب شرعی در مقابل نامحرم، به شرح ذیل نظراتی بیان داشته اند:

۱- امام خمینی، در خصوص الزام شرعی حجاب معتقد است «در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند» (۱۱). از سوی دیگر، در جلد ۱۹ همان کتاب، امام خمینی، حجاب را نوعی ارزش قلمداد می نماید. «باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزشهای شماس. هر چه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که، آن ارزشهای واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی با دستهای فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می شدند. اینها، این ارزشها زنده بشود» (۱۲).

۲- آیت ا... مکارم شیرازی: «حجاب شرعی در مورد زنان، پوشیدن تمام بدن به جز صورت و دستها تا میچ می باشد» (۱۳)^۳

ب) بررسی وجوب حجاب برای زنان در روایات

۱- امام صادق(ع) می فرماید: لایصلح للمراه المسلمه ان تلبس من الخمر و الدروع مالایواری شیئا شایسته نیست که زن مسلمان لباسی از روسری و چادر بپوشد که هیچ چیزی از بدن او را پوشش ندهد.^۴

۲- سئل الصادق علیه السلام عن الذراعین من المراه هما من الزینة التي قال... تعالی و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن؟ قال نعم و مادون الخمار و مادون السوارین.

از امام صادق علیه السلام سوال شد که آیا آرنج خانمها از زینتی است که خدای تعالی فرموده: نباید زینتشان را آشکار کنند مگر برای شوهرانشان؟ حضرت فرمود: بله غیر از خمار و غیر از دو دست. در بیان مادون الخمار یعنی غیر از آنچه خمار (روسری) از سر و گردن را بپوشاند به استثناء صورت. و در جمله مادون السوارین یعنی غیر از دو دست، منظور غیر از دو کف دست است. در این

^۴ فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۲۵ ه ق) الشافی فی العقائد و الاخلاق و الاحکام، جلد دوم، دار نشر اللوح المحفوظ، ۱۵۲۲،

مورد استناد ابن مسعود می باشد که «ما ظهر منها» را به لباس رو و ظاهر تعبیر فرموده اند. آنچه زیر پیراهن است اختصاص به شوهر دارد و آنچه از روی پیراهن است برای پسر و برادر و دیگر محارم است. اما برای نامحرمان و بیگانگان چهارتا است: پیراهن، روسری شلوار و چادر» (۸)؛ لذا طبق نظر ایشان فقط لباسی که زنان هنگام خارج شدن از منزل در بر دارند از حکم آیه شریفه استثنا شده است. «ابن عباس و پیروان او «ما ظهر منها» را به وجه و کفین تفسیر نموده و دلیل ایشان نیز روایتی است از عایشه که مضمون آن چنین است: اسماء، دختر ابی بکر، در حالی که جامه نازکی در برداشت بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روی برگرداند و فرمود ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید جایز نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر چهره و کفین او» (۹).

این نکته نیز باید توجه شود که آیه حفظ حجاب تنها برای زنان نازل نشده است بلکه در آیه ۳۰ سوره مبارکه نور ابتدا دستور فروپوشاندن چشم و رعایت حجاب به مردان داده شده است

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۗ ذٰلِكُمْ اَرْكَیٰ لَهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌۢ بِمَا یَصْنَعُوْنَ (۳۰)

به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهند، آگاه است. (۳۰).

[از اینجا به خوبی روشن می شود که هدف از این دستورات رعایت مصالح بشر است، خواه زن یا مرد، قوانین اسلام بر پایه تبعیض و تفاوت میان زن و مرد بنا نشده است و الا می باید همه این تکالیف را برای زن قائل شود و برای مرد هیچ وظیفه ای مقرر ندارد. اگر می بینیم که وظیفه پوشش به زن اختصاص یافته است از این جهت است که ملاک آن مخصوص زن است ... زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفگی است، قهرا به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار نده، نه به مرد، لهذا با اینکه دستور پوشیدن برای مردان مقرر نشده است، عملاً مردان پوشیده تر از زنان از منزل بیرون می روند، زیرا تمایل مرد به نگاه کردن و چشم چرانی است نه به خودنمایی و بر عکس تمایل زن بیشتر به خودنمایی است نه به چشم چرانی، تمایل مرد به چشم چرانی بیشتر زن را تحریک به خودنمایی می کند و تمایل به چشم چرانی کمتر در زنان وجود دارد لهذا مردان کمتر تمایل به خودنمایی دارند و به همین جهت تبرج از مختصات زنان است، مفاد این دستور این است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار کنند.] (۱۰)

۳- همچنین از آیه ۶۰ سوره نور نیز حکم وجوب رعایت حجاب را می توان فهمید:

^۱ مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹) مساله حجاب، صص ۱۳۲ و ۱۳۳

^۲ ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۵، ص ۲۲۸

^۳ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳) استفتائات جدید، جلد ۱، انتشارات امام علی بن ابی طالب

و سیاست واحد، قاطع و مستمر در استفاده و بهره‌گیری از آن به وسیله نیروهای اجرایی موجب ناکارآمدی و بازدهی نامطلوب آن در سالیان پس از دوره اجباری شدن قانون حجاب شده است. در این میان، جریان معاند فرهنگ اسلامی نیز با فرصت‌طلبی از نابسامانی مدیریت حاکم بر حوزه فرهنگ عفاف، با مانع‌تراشی‌های مختلف و استفاده از قدرت رسانه‌ای و طرح مسائلی مانند نبود قانون حجاب یا تعریف نشدن حجاب و تبیین حدود آن در قانون، با تشویش اذهان عمومی، بر اراده کارگزاران حکومتی در برخورد با مفسد اجتماعی نیز اثر منفی می‌گذارد» (۱۴). به نظر می‌رسد این نوع نگرش، یک نگرش تند به مسائل داخلی جامعه با توجه به شرایط جامعه جهانی است.

استدلال فقهی ایشان بر لزوم جرم انگاری بدین شرح است: «نظر مشهور فقها این است که حاکم شرع می‌تواند، به صلاحدید خود، کسی را که مرتکب عمل حرامی شده است (بر اساس دیدگاه بعضی، عمل حرام لزوماً باید کبیره باشد) نماید، به این شرط که تعزیر از مقدار حد کمتر باشد» (۱۵). «همچنین بعضی از فقهای اهل سنت نیز بر این عقیده‌اند» (۱۶). «فقهای موافق این دیدگاه علیرغم ادعای شهرت عظیمه و حتی ادعای نفی خلاف در این مسئله مهم، به راحتی با ذکر ادله به صورت غیر تفصیلی از کنار آن گذشته‌اند» (۱۷).

آیت ... مکارم شیرازی در پاسخ به سوال «آیا حکومت می‌تواند یا بر او لازم است از بدحجابی یا بی‌حجابی بعضی از خانمهایی که در این امر مهم کوتاهی می‌کنند، جلوگیری نماید؟» گفته‌اند «حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه ای ندارند ولی بدون شک نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار در سطح جامعه انجام می‌شود وظیفه نهی از منکر دارند و الا جایی برای انجام این وظیفه مهم باقی نمی‌ماند البته با این تفاوت که مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند و از هر گونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند ولی حکومت می‌تواند وارد این مرحله نیز بشود و در مورد کنیزها اساساً میزان پوشش آنها نسبت به زنان آزاد از نظر اسلام متفاوت بوده است».

۲- دیدگاه دوم:

جرم انگاری عدم رعایت حجاب اسلامی در معابر و انظار عمومی، اشتباه است و در این مورد باید تجدید نظر و اصلاحی در قوانین صورت گیرد. ایشان می‌گویند «اولاً استدلال فقهی لزوم جرم انگاری حجاب شرعی مردود است از این جهت که «برخی فقها از جمله مرحوم محقق اردبیلی در اصل این حکم که هر عمل حرامی

الطبیعی آن هذا یقتضی أن یعزر الحاکم کل من خالف النظام. (الثالث) - النصوص الخاصه الوارده فی موارد مخصوصه الدالی علی أن للحاکم التعزیر والتأدیب حتی فی الصبی والمملوک. (الرابع) ما ورد فی عدی روایات من أن الله تعالی جعل لكل شیء حدا: (منها) - معتبرئ سماعی عن أبي عبد الله ۷ قال: (إن لكل شیء حدا ومن تعدی ذلك الحد کان له حد)».

روایت حضرت امام صادق(ع) معنای زینت را مادون الخمار و مادون السوارین معنا فرموده است یعنی آنچه را که خمار یا روسری از سر و گردن می‌پوشاند به جز صورت، زینت محسوب می‌شود و آنچه که مادون السوارین یعنی کفین است زینت محسوب می‌شود که خدای تعالی آشکار کردن آن را نهی فرموده و مفهوم آن یعنی واجب است پوشاندن آنها غیر از موارد استثنا».

ادله جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب در حقوق ایران از دید قانون اساسی کشور، «لازمه جرم‌انگاری یک فعل، وضع مجازات قانونی از سوی قانون‌گذار برای آن است؛ زیرا تنها (هر فعل یا ترک فعلی که برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود)»^۱، بر همین اساس، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵)، رکن قانونی تشکیل‌دهنده جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است. بر اساس این تبصره، (زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد). تقیید عنوان حجاب به وصف (شرعی) بودن دلالت بر آن می‌کند که مرجع تعریف حجاب مورد نظر قانون، شارع مقدس و فقه امامیه است. رجوع به منابع اسلامی یا فتوهای معتبر فقهی برای رفع ابهام یا اجمال از قوانین موضوعه، راه‌حلی است که قانون اساسی ایران آن را تجویز کرده است. که در قانون اساسی این چنین آمده (قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد)^۲.

در خصوص جرم انگاری عدم رعایت حجاب در حقوق ایران دو دیدگاه وجود دارد:

۱- دیدگاه اول :

جرم انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی کاری صحیح و شایسته است، و ایشان در این مورد می‌گویند: رعایت نکردن حجاب از سوی زنان، از منظر قانون مفسده تلقی می‌شود. «ظاهر شدن زنان در معابر و انظار عمومی بدون رعایت حجاب شرعی، جرم مسلمی است که با هر قصد و انگیزه‌ای صورت پذیرد، زیر سؤال بردن یکی از (ضروریات فقهی) است و ضمانت اجرای کیفری دارد. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارای قوه و امکان کافی در برخورد با پدیده موسوم به (بی‌حجابی) است، ولی نبود رویه

^۱ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

^۲ اصل ۱۶۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۷.

^۳ علی المشهور شهرئ عظیمی، بل بلا خلاف فی الجملی. وتدل علی ذلك عدی امور. (الاول) - فعل أمير المؤمنین ۷ ذلك فی موارد مختلفئ كما ینظر من عدی روایات فی أبواب متفرقه. وهذا یدل بوضوح علی مشروعئ ذلك. (الثانی) - ان الاسلام قد اهتم بحفظ النظام المادی والمعنوی واجراء الاحکام علی مجاریها. ومن

از همه، خواست و اراده الهی «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» (البقره: ۱۸۵) و «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (المائده: ۶). عواملی هستند که احکام و قوانین الهی را با ویژگی‌های تکوینی و خلقتی انسان هماهنگ ساخته و پیامبر اکرم (ص) را مأمور کرده تا «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (الأعراف: ۱۵۷) از دوش آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است بردارد. مطابق این قاعده کلی - عدم جعل احکام مشقت آمیز - احکام و قوانین اولیه دین اسلام دارای ویژگی انعطاف‌پذیری و مطابقت با شرایط و اوضاع جدید پیش‌آمده هستند. به این معنا که در شرایط اضطراری، حوادث واقعه، بروز عسر و حرج‌ها متناسب با شرایط زمانی و مکانی، تغییراتی در آن قوانین اولیه به وجود آمده و احکام ثانویه‌ای جایگزین آن‌ها می‌گردند.

از این رویکرد، می‌توان از متن آیات قرآن، انعطاف و سهل‌گیری‌های آن را در خصوص حجاب نیز استخراج نمود. این انعطاف را در دودسته می‌توان طبقه‌بندی نمود. اول زمانی که در سنین سالخوردگی قرار دارند و جاذبه جنسی برای مردان ایجاد نمی‌کنند. «لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا» (النور: ۶۰). دوم کسانی که بی‌حجابی در آن‌ها مصداق تبرج و جلوه‌گری نیست. «غَيْرَ مُتَّبِرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ» (النور: ۶۰). با استناد به همین آیه می‌توان در قوانین حقوقی و جزایی کشور، ملاحظات جدیدی منطبق با شرایط فعلی جامعه، در نظر گرفت.

باید توجه نمود که معنای انعطاف‌پذیری، عقب‌نشینی از اصول یا ضعف نیست، بلکه از الزامات دوام و قوام یک اندیشه و مکتب و آیین و مذهب به شمار می‌رود. بر این اساس، معنای انعطاف‌پذیری، یک شگرد و تاکتیک واقع‌گرایانه برای حصول به مقصد و غنی‌تر نمودن دیدگاه اصیل دینی همراه با هم‌نوا نمودن احاد افراد جامعه با فروع آن دین می‌باشد. لازم به بیان است که این انعطاف تنها در فروع دین مجاز است و شامل اصول اعتقادی آن نمی‌شود.

«صدور احکام ثانویه شرعی در حالت‌های اضطراری: حکم شرعی بنا به اعتبارهای گوناگون به حکم اولیه، حکم ثانویه و حکم حکومتی تقسیم‌بندی می‌شود. آنچه در این میان مورد نظر ما است، حکم ثانوی است که می‌توان چنین تعریفی از آن ارائه داد: حکم در نظر گرفته شده برای موضوعی با توجه به مطرح شدن عناوین خاصی درباره آن که مستلزم تغییر حکم اولیه آن است. این حالت‌های اضطراری را می‌توان در "ضرر"، "عسر و حرج"، "ناتوانی"،

مستوجب تعزیر باشد، تردید نموده‌اند» (۱۸). همچنین فقهای معاصر معتقدند دلیل قابل‌اطمینانی بر این که مرتکب هر عمل حرامی (حتی مرتکب گناهان کبیره مستحق تعزیر باشد) وجود ندارد» (۱۹). «برخی از فقها نیز با فرض پذیرفتن اصل حکم، دامنه تعزیر را به گونه‌ای معنا کرده‌اند که شامل پند و اندرز، توبیخ و تهدید هم می‌شود» (۲۰).

ثانیاً تجدیدنظر دائم در مضمون و شکل اندیشه اسلامی امری ضروری و بدیهی است؛ زیرا واقعیت‌های متغیر و حوادث نوپیدا که اکنون با چنین سرعتی در جهان امروزی شاهد آن هستیم، ما را به سمت نوسازی در اندیشه اسلامی رهنمون می‌سازد. پروسه نوسازی، برخاسته از قاعده یا عنصر انعطاف‌پذیری در اسلام است. عنصر انعطاف‌پذیری همانی است که به اجتهاد، مشروعیت بخشیده و از آن ابزاری برای نوسازی در اندیشه اسلامی آفریده است؛ از این رو، درک روند نوسازی، با درک و فهم عنصر انعطاف‌پذیری در شریعت اسلام و نمودها و موارد عملی آن آغاز می‌شود که محورهای بحث ما نیز بر همین نمودها و موارد مبتنی است.

لزوم پویایی و انعطاف‌پذیری احکام شرعی

«انعطاف‌پذیری به معنای تمایل به سازگاری و هماهنگ شدن با محیط و افراد است و این امر در جایی تحقق می‌یابد که فردی یا مکتبی بخواهد متناسب با مقتضیات مخاطبین قوانین خود را تنظیم نماید. دین اسلام آیین «یسری» است؛ و این مهم را خداوند در همان سوره‌های اولیه نازل شده به ترتیب نزول بر پیامبر اکرم (ص) یادآوری نموده است. «وَتُسِّرْكَ لِلْيُسْرَى» (الأعلى: ۸) و «فَسَيُسِّرُهُ لِّلْيُسْرَى» (اللیل: ۷) «یسری» به تعبیر صاحب‌المیزان خصلتی است که در آن آسانی باشد و هیچ دشواری نداشته باشد» (۲۱). «و توصیف اسلام به این نام به اعتبار سهل بودن برنامه‌های آن و یا منتهی شدن به فرجامی راحت و به دور از سختی‌ها می‌باشد» (۲۲). در وضع احکام و قوانین در قرآن آنچه خداوند به‌عنوان قاعده کلی در نظر داشته، عدم جعل احکام مشقت آمیز برای بندگان بوده است. این مهم در قرآن با عبارت شریفه «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْتَنَّكُمْ» (البقره: ۲۲۰)، آمده است. ضعف و ناتوانی انسان «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» (النساء: ۲۸). «قدرت و استطاعت او «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا مَا أُسْرَتْ» (البقره: ۲۳۳)، «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (الأعراف: ۴۲)؛ الْمُؤْمِنُونَ: ۶۲) و «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (الطلاق: ۷). و بالاتر

المراد من الحد الثاني ما يشمل التعزير لكان حسنا ولكن الكلام في استفادته ذلك. قال في الجواهر في البحث عن شمول التعزير للتوبيخ مثلا: قد يستفاد التعميم مما دل على أن لكل شيء حدا ولمن تجاوز الحد حدا بناء على أن المراد من الحد فيه التعزير انتهى. ومراده إنه بناء على ذلك يمكن أن يقال بعدم اختصاص التعزير بالضرب بل التوبيخ والتعنيف أيضا من مراحل التعزير. وفيه إن مجرد البناء لا ينفع شيئا والنزاع في ظهور هذه الروايات وعدمه وهو غير ثابت وقد تعرض رحمه الله للبحث ثانيا بنحو الإجمال بعد ورقتين من هذا عند قول العلامة: أعلى الله مقامه: وكل من فعل محرما أو ترك واجبا عزره الإمام انتهى. والحاصل إنه لا دليل لنا تطلبتن إليه النفس في الحكم بوجود التعزير في كل معصية بل ولا في خصوص الكبائر منها».

^۱ «فإن بعض الذنوب والمعاصي ربما صدر عن بعض الأفراد ولم يقع من المعصومين سلام الله عليهم أجمعين بالنسبة إليهم تعزير ولا صدر منهم: أمر بذلك. وإن أمكن أن يقال بكونها صغيري في تلك الموارد. ولكن الظاهر خلافه للعلم بأنه قد وقع بعض الكبائر ولم يحكموا عليه بالتعزير. ومنها ما تمسك به بعض من الروايات الدال على أن لكل شيء حدا ولمن تجاوز ذلك الحد حدا وهي عدو روايات أخرجه في الوسائل في باب ۲ من أبواب مقدمات الحدود. وفيه ما مر سابقا من إجمال تلك الروايات من جهات فلا يعلم أن المراد كل الأشياء، حقيقى بلا استثناء، أو أنه أشياء، خاصى، كما لا يعلم أن المراد من حد كل شيء ما هو؛ وكذلك لا يعلم المراد من الحد الذي جعله على من تجاوز الحد. نعم لو جزم أحد بأن المراد إن الله تعالى جعل للأشياء أحكاما ومقررات وقرر على من تجاوز عنها حدا وكان

«جرم انگاری عدم رعایت حجاب شرعی نیز از این هزینه‌ها مستثنا نمی‌باشد و این جرم انگاری منجر به بروز چالش‌های متعدد درون سیستمی و برون سیستمی شده است از یک سو ایجاد نهادی تحت عنوان گشت ارشاد که مهم‌ترین علت وجودی آن برخورد با زنان فاقد حجاب شرعی است، هزینه‌های مالی بسیاری را از حیث جذب و استخدام نیروهای جدید به‌ویژه زنان بر دوش دولت گذارده که با توجه به ضرورت‌های شرعی و عدم امکان استفاده از ضابطین مرد در مواجهه با زنان فاقد حجاب شرعی، دولت ناگزیر از این هزینه کرد بوده است. از سوی دیگر، با توجه به عدم اقبال برخی از زنان به رعایت حجاب شرعی که وصف مقبولیت اجتماعی را با چالش مواجه کرده و به جهت فقدان سیاست جنایی قضایی و اجرایی جدی، علیرغم اقدامات انجام شده از سوی گشت ارشاد، حقوق کیفری، کارایی بازدارندگی خود را از دست داده و روز به روز از اقتدار اجرایی آن در اجتماع کاسته شده است. علاوه بر این، نحوه برخورد عوامل گشت ارشاد که بعضاً با خشونت همراه می‌گردد باعث ایجاد احساس عدم امنیت و تصور «خشونت دیدگی حقوقی» در زنان می‌شود که ظهور چنین وضعیتی، در ابعاد مختلف زندگی زنان به‌ویژه در حوزه مقوله‌های مرتبط با اجتماع اثرات منفی بر جای گذاشته و روزمرگی اجتماعی آنان را مختل می‌نماید. همچنین با توجه به ریشه مذهبی حجاب شرعی و خشونت‌ی که بعضاً علیه زنان فاقد آن به کار گرفته می‌شود، تنفیر از دین، آفتی است که می‌تواند شهروندان را به‌طور کلی از عقاید دینی خود دور سازد. در واقع همان‌طور که از نگاه زمامداران جامعه اسلامی ایران داشتن حجاب شرعی یکی از معیارهای سعادت‌مندی محسوب می‌گردد، مقابله خشن با آن می‌تواند منجر به ایجاد حس تردید در شهروندان در خصوص اساس دین گردد که این امر ایجاب می‌کند با توجه به فضای ارتکاب جرم عدم رعایت حجاب شرعی که غالباً در فضاهای عمومی جامعه رخ می‌دهد و نحوه عملکرد کنشگران اجرایی در معرض قضاوت مشهود سایر شهروندان قرار می‌گیرد، اجرای سیاست کیفر گرایانه با دقت و احتیاط بیشتری همراه باشد».

آیت ... مکارم شیرازی در پاسخ به این سوال که «بیرون بودن مقداری از موی سر، امروزه در شهرهای بزرگ عادی شده است، آیا می‌توان از این جهت که این مقدار از موی سر بیرون است، به آن نگاه کرد؟ همانند برخی از قبایل که معمولاً مقداری از موی سر آنها در معرض دید است.» گفته اند «اگر با نهی از منکر، رعایت نمی‌کنند مصداق (اذا نهین لایتهین) هستند و نگاه کردن بدون تلذذ و ریبه اشکالی ندارد».

آیت ... خامنه ای در پاسخ به این سوال که «اگر همسر حجاب را رعایت نکند، آیا باید شوهر او را با دعوا و درگیری به رعایت حجاب وادار کند؟» گفته اند «در رعایت حجاب واجب و انجام سایر تکالیف شرعی، شوهر حق دعوا و درگیری و تنک کاری ندارد و فقط مجاز است با ملایمت امر به معروف و نهی از منکر

«اجبار»، «ترس»، «بیماری»، «تزام با حکم مهم‌تر»، «وقوع حکم به‌مثابه مقدمه حکم دیگر» و نیز «تبدیل احکام واجب کفایی به واجب تعیینی در صورت منحصر شدن آن به یک نفر» و ... برشمرد؛ بنابراین، حکم ثانوی بیانگر انعطاف‌پذیری شرع است؛ زیرا انعطاف‌پذیری اینجا به معنای پاسخگویی به حالت فشار متناسب با میزان آن است. حالت فشار نیز نه دائم، بلکه اضطراری است؛ به‌طور مثال، برای حالت اضطرار، در باب تحریم [گوشت] مردار و خون و گوشت خوک و غیره به آیه کریمه: «... فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ (بقره، ۱۷۳)؛ ... اما کسی که ناچار شود، هرگاه بی‌میلی جوید و از حد نگذراند، گناهی مرتکب نشده است»، و برای حالت حرج (تنگنایی) به آیه کریمه: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج، ۷۸)؛ و برایتان در دین هیچ تنگنایی پدید نیاورد»، و ... استناد می‌کنیم. اینجا حتماً باید یادآور شویم که احکام ثانویه با احکام ولایی (احکام صادره از سوی ولی امر) تفاوت دارند؛ چون احکام ثانویه، احکامی شرعی وضع شده برای عناوین اضطراری هستند که این عناوین نیز به مواردی منحصر می‌شود که در قرآن کریم و سنت شریف نبوی، از آن‌ها یاد شده و بر آن‌ها استوار است؛ حال آن‌که احکام ولایی، مبتنی بر مصلحت عمومی و نیازهای وضع عمومی جامعه است و ولی ققیه بنا بر اختیاراتی که دارد، آن‌ها را صادر می‌کند. او خود آن‌ها را تعیین می‌کند؛ در حالی که هرکسی می‌تواند در چارچوب شرایط و ضوابط وارده در متون اسلامی احکام ثانویه را تعیین کند».

«به‌کارگیری قدرت حکومت، عالی‌ترین نوع سلطه در هر جامعه است که در حقوق کیفری به وسیله ابزار قانونی جرم و مجازات نمود می‌یابد اما اعمال هرگونه قدرتی در ضمن اینکه مزایا و موفقیت‌هایی ایجاد می‌کند امکاناتی را از بین می‌برد چرا که متحمل ایجاد هزینه‌هایی به‌صورت مختلف برای دولت است» (۲۳). «این هزینه دارای جنبه‌های مختلف مالی، اجتماعی و حقوقی بوده و عدم هم‌راستای جرم انگاری با این هزینه‌ها می‌تواند اجرای عدالت کیفری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه پایدار با مشکل روبرو سازد.» (ارزیابی هزینه‌ها به‌سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با آگاهی لازم و کافی راه‌حلی را انتخاب کنند که سطح رفاه اجتماعی را از نظر اقتصادی افزایش دهد» (۲۵).

از جنبه مالی، جرم‌انگاری بی‌حجابی، باعث افزایش هزینه‌های قوه قضاییه در مواجهه و مبارزه با این جرم، می‌گردد. «این هزینه‌ها با لحاظ مالیاتی که شهروندان برای اداره امور جاری کشور پرداخت می‌کنند در واقع توسط آنان تأمین می‌شود و عدم توفیق دولت در مهار بزهکاری، منجر به ایجاد حساسیت روانی در شهروندان و عدم ایفای وظایف مالی آنان در قبال هیئت حاکمه می‌گردد.» «پیش‌بینی هر جرم و تعریف آن باید بر مبنای خط مشی اقتصادی باشد زیرا مقوله قانون‌گذاری در حقوق کیفری بر نظام اقتصادی تأثیر می‌گذارد و هر ساله بخش عمده‌ای از درآمد سرانه کشورها صرف هزینه‌های دستگاه قضایی می‌شود و در سطوح اجرایی نیز بهره‌مندی از نیروی انسانی کارآمد به لحاظ کمی و کیفی نیز جز با ایجاد پلیس تخصصی ممکن نیست که تحقق این مهم نیز هزینه‌های مالی زیادی را بر بدنه دولت تحمیل می‌کند».

Din Faculty (non-profit and non-governmental.)

6. Al-Tabari, Abi Jafar Mohammad. (1414 AH). Jame Al Bayan, Volume 18, Surah Noor, Verse 31.
7. Ibn Kathir (1412 AH). Al-Tafseer, Abu al-Feda, Beirut: Dar al-Marafa.
8. Bashiriyeh, Hossein (1400). Teaching political knowledge: the basics of theoretical and institutional political science, Tehran: Contemporary View Institute.
9. Khalili, sorry. (1388). A reflection on the concept of hijab in divine religions, by Mohammad Javad Javaid, Tehran, Publisher: Research Center for Cultural and Social Studies.
10. Najafi, Mohammad Hassan (1392) "Jewel of Kalam in the Explanation of Islamic Laws", Tehran, Dar al-Kutub al-Islami.
11. Taskhiri, Mohammad Ali (1384). Renewal in Islamic thought and flexibility in Shariah, Andisheh Kareem, No. 5: 9-25.
12. Bari, Mojtaba (2018). Ideological criminalization, challenges and approaches, PhD thesis, humanities field, Kharazmi University, International Campus.
13. Makarem Shirazi, Nasser (1383) new polls, vol. 1 to 3, 4th edition, Imam Ali Bin Abi Talib Publications
14. Aiti, Seyyed Mohammadreza; Esfandiari, Hamzah (2007). The ratio of crime and sin in Iranian law, Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law, No. 1: 9-35.
15. exquisiteness, happiness; Jahanbazi, Zahra; Raisi, Marzieh. (2016). A comparative study of the covering of a maidservant in Shia and Sunni jurisprudence and interpretation, two quarterly studies of comparative interpretation, volume: 3, number: 6: 253-227.

زبانی نماید» (خامنه ای.دات.آی. آر: استفتائات، لباس شهرت و احکام پوشش)^۱

نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، مصلحت کنونی و شرایط حاکم بر این دوران، ایجاب می‌کند که لزوم رعایت حجاب، به‌عنوان یکی از فروع دین اسلام، ترویج گردد، خلاصه اینکه هر چند رعایت حجاب شرعا بر بانوان واجب است ولی جرم انگاری آن و تعزیر کسانی که آن را رعایت نمی‌کنند، دلیل شرعی می‌خواهد و چنین دلیلی را ما در منابع احکام نیافتیم، ضمن اینکه اجبار بر انجام آن در جامعه ی ایران به دلیل هزینه های مادی و معنوی که بر جامعه تحمیل می‌کند به صلاح نیست.

References

1. Seifi Mazandarani, Ali Akbar (1417 AH), the reason for the authorship of al-Wasila, Elster and Elsater, Imam Khomeini's Quds Serh Editing and Publishing Institute, first edition
2. Akhundi, Mahmoud (2014). Identification of Criminal Procedure: Thoughts (Volume 4), Tehran: Durandishan.
3. Imam Khomeini, Ruhollah. (1389). The Book of Imam: Collection of Works of Imam Khomeini (S) (Statements, Messages, Interviews, Rulings, Shariah Permissions and Letters) - Volumes 5 and 19, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA.)
4. Tabatabai, Mohammad Hossein (2018). Tafsir al-Mizan, volume 15, 40th edition, Nashr al-Islami. Al-Jamaa al-Madrasin Buqam al-Mushrafah, Al-Nashar al-Islami Institute.
5. Akhundi, Hossam (2015). Investigating women's hijab and adornment in Imami jurisprudence and Iranian law with a perspective on new issues, master's thesis, theology and Islamic studies - Islamic jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Usul al-Din Faculty, Usul al-

^۱ Khamenei.ir

Nameh Mofid Scientific Research Journal, Volume 8, Number 2: 79-98.

24. Shami, Mohammad (1392). An introduction to criminalization and decriminalization, Tehran: Jangal Publications.

25. Hosseini Mehr, Mahdia; Al Boyeh, Ali (2016). Investigating the nature and rulings of crime and punishment in Iran's Khamsa and Punishment religions, South Khorasan Police Science Quarterly, year 6, number 3, serial 22: 90-63.

16. Ibn Qudama al-Maqdisi, Abd al-Rahman (1387). "Al-Sharh al-Kabir", Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.

17. Eshairi Monfared, Mohammad. (1400). Qur'an and the differences between the dressing culture of slave women and free women; From ignorance to early Islam, two cultural and social quarterly of Qur'anic studies, volume 1, number 1: 311-341.

18. Mahmoudi, Morteza; Babaei, Mohammad Ali (2019). Basics of criminalizing non-observance of Islamic hijab in Iranian criminal law, Criminal Law Research Journal, Year 11, Number 1: 253-274.

19. Eliaspour, Akbar; Zahedi, Abdul Reza; Habibzadeh, Ruqiya (2016). Types of flexibility in Quranic rules and laws, Second International Congress of Islamic Sciences, Human Sciences.

20. Hashemi, Seyyed Hossein (2016). Criticism on Article 638 of the Islamic Law In the criminalization of hijab, quarterly magazine of the Women's Cultural and Social Council, 10th year, number 37: 133-160. Arifian, Gholamreza; Khosravi Merol, Mohsen (2016). Investigating the concept of crime from the perspective of law and jurisprudence, New Research Quarterly in Human Sciences, Volume: 3, Number: 18: 24-1.

21. Alavi, Hossein (1401). Criminology criteria from the perspective of jurisprudence and subject law, doctoral thesis, field of law - criminal law and criminology, Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Mashhad Higher Education Complex.

22. Hashemi, Seyyed Hossein. (1386). Criticism on Article 638 of the Islamic Civilization on the Criminalization of Bad Hijab, Women's Strategic Studies, No. 37: 160-133.

23. Babaei, Mohammad Ali, Ansari, Ismail (1391). Analysis of the costs of crime,